

## نقد ادبی: تصحیف «درفش» به «درخت» در ترجمه تفسیری طبری

خالقی مطلق، جلال

در ترجمهء تفسیر طبری (تصحیح حبیب یغمائی، چاپ دوم، تهران ۱۳۵۶، ج ۵، ص ۱۱۵۴ به بعد) آمده است: «و آن چوب که آن دستار بر سر آن کرده بودند آن را درفش کاویان نام کردند و مبارک داشتند و هرگاه به مصافی رفتندی آن درفش کاویان در پیش داشتندی و آن مصاف بشکستندی و آن را به خزینه بنهادند و گفتندی که این مبارک است... گروهی گویند که آن درفش چوبی بود و انبانی، و گروهی گویند که چوبی بود و دستاری. و چون آن درفش را پیش امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه بردند بفرمود تا آن را بسوختند. و درخت به زبان پهلوی علم باشد».

در عبارت آخر درخت به دلایل زیر تصحیف درفش است:

۱- محتمل است که در پایان عبارت درفش را که قبلاً چهار بار از آن نام برده به لفظ مترادف علم معنی کرده و گفته بوده است: و درفش به زبان پهلوی علم باشد. ولی کاتب سهوا درفش را درخت نوشته است.

۲- اگر می‌خواست بگوید که درخت در زبان پهلوی به معنی علم است، برطبق دستور نگارش نخست از واژه‌ای نام می‌برد که قبلاً درباره‌اش شرح داده است و سپس معنی آن را به پهلوی می‌آورد. یعنی می‌گفت: و درفش به زبان پهلوی درخت باشد، و نه: و درخت به زبان پهلوی علم باشد (و نیز نگاه کنید به شماره‌های ۴ و ۵).

۳- یکی (یا چند تائی) از دستنویس‌ها به جای درخت ضبط درفش دارند که مصحح آن را به حاشیه برده است، ولی احتمال داده است که ضبط درخت در متن ظاهراً اشتباه کاتب است.

۴- عین این روایت در تاریخ بلعمی (تصحیح محمد تقی بهار، چاپ دوم، تهران ۱۳۵۳، ج ۱، ص ۱۴۸) آمده است و در آنجا نیز درفش و علم گفته و نه درخت: «... و هرکسی چیزی بران همی کردی از گوهر و یاقوت و جواهر الوان تا چندان برو کردند که پوست ناپدید گشت، تا وقت یزدگرد شهریار آخر ملوک عجم آن درفش کاویان خواندندی، و معنی درفش بر زبان پهلوی علم باشد».

۱۵- این روایت در التنبیه و الاشراف مسعودی (تصحیح عبد الله اسماعیل الصاوی، بغداد ۱۹۳۷، ص ۷۵ به بعد) نیز آمده است و در آنجا نیز درفش و رایت آمده و سخنی از درخت نیست: «و تیمنوا بتلك الراية فسميت درفش کابیان اضافة الى کابی صاحبها، و الدرفش بالفارسیة الأولى الراية».

۱۶- در دیگر متون فارسی نیز جائی درخت را در معنی درفش به کار نبرده‌اند، ولی در شاهنامه درفش مانند خیلی چیزهای دیگر به درخت تشبیه شده است و تفاوت البته روشن است و از توضیح بی‌نیاز.

۱۷- در متون پهلوی که هم درفش به کار رفته است و هم درخت، هیچیک در معنی دیگری به کار نرفته است.

۱۸- در فرهنگهای فارسی درخت را در معنی درفش ثبت نکرده‌اند.

در اثر سهو کاتبان، تفنن یا اظهار فضل واژه‌تراشان و کم دقتی فرهنگ‌نویسان تعداد زیادی واژه‌های دساتیری و من درآوردی به فرهنگهای فارسی راه یافته است. شاید این یادداشت سبب شود که یکی دیگر بر تعداد آنها افزوده نگردد.

✱